

بیضایی:

«رگبار» شعار سیاسی نمی‌دهد

اگر بودم چه امتیازی به «رگبار» می‌بخشید و حالا که نیستم چه امتیازی از آن می‌تراشد؟ «رگبار» همین است که می‌بینید چه من سیاسی باشم یا نباشم! به نظر من برجسیی است که کوچک می‌کند نه بزرگ، و چشم‌انداز را تنگ می‌کند نه باز».سعید طلاجوی، استاد دانشگاه سنت اندروز و برگزارکننده این جلسه در مورد برداشت‌های سیاسی منتقدان از فیلم‌های بیضایی گفت: «معمولا از فیلم‌های بیضایی برداشت سیاسی می‌شود اگرچه فیلم‌فایش ابعاد مختلف دارند و ممکن است سیاسی هم تعبیر شوند. اینکه مثلا فلان شخصیت در فیلم، نماد ساواک است و ... اما فیلم‌های بیضایی بیشتر در مورد سرنوشت بشری است».

بیضایی در ادامه حرف‌های طلاجوی گفت: «نه در سیاسی‌بودن امتیازی است نه در نبودن. هر دو هم بهترین و هم بدترین نتیجه‌ها را داده‌اند. معنای ما در برجسب‌هایی نیست که به ما می‌بندند یا به خود می‌بندیم؛ معنای ما در آن چیزی است که خلق می‌کنیم!». بیضایی همچنین در مورد استفاده از عامل طنز و خنده در فیلم «رگبار» و برخورد مخاطبان سینما با فیلم‌هایش در آن دوره گفت: «شما امروز به طنز رگبار می‌خندید، ولی من هر بار افسوس می‌خورم که طنز فیلم نیمی در بازی‌های مسئول و متعهد برخی بازیگران، و نیمی در صداگر دانی به حداقل رسیده است.

دردناک است بازگری ذوق طنزش را زیر بار نظریه‌پردازی‌ها از دست داده باشد، و دردناک‌تر وقتی که ادا و مسخرگی جای آن را بگیرد. طنزهای تصویری رگبار راضی‌ترم می‌کند تا طنزهایی که بازگیرش بیگانه با آن است یا طنزهایی که در صداگردانی رنک باخته. افسوس که آن روزها تدوین نمی‌داستیم و تجربه‌ای در صدا نداشتیم تا شاید فاصله برمی‌افتاد و طنز تلخ رگبار گویاتر می‌شد. با این‌همه خنده در رگبار آن خنده‌ای نبود که تماشاگر معتاد به مَرّی‌پرانی‌های مضحک قلمی‌وار صداگردانان در فیلم‌های ایرانی و فرنگی هر دو می‌دید».

بیضایی در مورد موسیقی فیلم و همکاری با شیدا قره‌چی داغی در «رگبار» گفت: «خانم شیدا قره‌چی داغی در فیلم «کلاغ» هم با من کار کرد و حتی پخته‌تر از «رگبار». «کلاغ»، سه‌و ظن و کشف و خاطرات است؛ و در «رگبار»، بازیکوشی بچگی و جوشش جوانی موج می‌زند و او برای هرکدام موسیقی مناسب طبع فیلم ساخت. از موسیقی هر دو فیلم راضی‌ام؛ و راضی‌ترم که زنی موسیقی فیلم ساخته است. در عمل اتفاق می‌افتد که بعضی قطعه‌ها عین خواسته تصویر درنمی‌آید. در این موارد من جای دو قطعه را عوض می‌کنم و گاه هر دو بهتر جواب می‌دهند. در «کلاغ» هم این اتفاق افتاد. و در همکاری با شادروان بابک بیات هم در «مرگ یزدگرد» و «شاید وقتی دیگر» و «مسافران» همین شد. سینمای ایران پیشینه و تجربه طولانی در موسیقی فیلم نداشت و این تجربه‌ها پرهیزناپذیر بود».

بیضایی، در پاسخ به این سؤال سعید زیدآبادی‌نژاد، استاد دانشگاه سواس لندن در مورد حضور و نقش متفاوت زن‌ها در فیلم‌های او گفت: «من در خانه‌ای بزرگ شدم که در آن زن و مرد یکسان بودند و چون دو بال یک کبوتر تعریف می‌شدند، و ما با فکر تساوی همه از هر قبیله و نژاد و زبان بزرگ شدیم. در عین حال پدر و مادرم، شاید همیشه نگران فضایی بی‌گذشت و پر از بهتان، بسیار سختگیر در تربیت ما بودند؛ به‌ویژه آنچه در سنت اخلاق خوانده می‌شود و محدود می‌شد به سلب هر حقی مگر با اجازه بزرگ‌تر. معمولا در چنین فشار اخلاقی، آکنده از احساس گناه و پرهیز از هم‌سخنی، شناخت مرد و زن از هم تخیلی و ذهنی درمی‌آید. من بعدها دریافتم زن‌هایی که می‌نویسم بیشتر شاعرانه و ذهنی و خیالی‌اند- و در نتیجه مردها هم. خُب راهش چه بود جز نگاه‌کردن به دور و برم و آموختن از واقعیت‌های بسیار گوناگون فضایی که از آن می‌نویسم یا آن را باز می‌سازم. از مادربزرگ مادری‌ام که با قصه‌هایش جهانی آشنای ولی ناشناس، و دور ولی نزدیک را باز می‌گفت بر از شگفتی و رمز و رازی قابل بازگشودن. و از سادرم که حاضر جوابی‌ها و نقل‌قول‌هایش از متون ادبی و به‌ویژه سعدی بادم نمی‌رود؛ تا مادربزرگ پدری‌ام که می‌شنیدم در آران کاشان معلم قرآن زن بود بی‌آنکه به سنت زمان خط ببدان و باز به سنت زمان از ترکیب و تداعی تصویر خط و صدا آن را به درستی کلمه به کلمه می‌دانست و به دیگران می‌آموخت؛ تا دخترعموی بزرگم که دیدم به راستی نیاسر کاشان را می‌گرداند؛ و دخترعموهای مادرم که چون خود وی دانش آموخته و هر یک نمونه در رفتار و منش و سخنوری و روشنفکری بودند و بعضی گاه شغل اداری داشتند. نیاز نوشتن چشم من را دوباره به جهان باز کرد؛ گمانم زن‌های نوشته‌های من نه‌تنها از خواننده‌های ادبی و دیده‌هایم بر صحنه و فیلم و نقاشی، که حتما از این بازدیدین دور و برم می‌آیند».

شرق، آمنه شیرافکن: فعالان زن این روزها در تلاش‌اند تا چند روز مانده به معرفی کابینه حسن روحانی، از لابی و چانه‌زنی برای انتصاب وزیر زن کم نگذارند. همین شده که در گوشه و کنار شهر نشست‌ها و برنامه‌هایی در ضورث انتصاب وزیر زن در جریان است. انجمن اندیشه و قلم در تالار مسجدالرحمن روز گذشته میزبان گروهی از زنان بود؛ زنانی که هر کدام از زوایه دید خود به اهمیت حضور زنان در کابینه حسن روحانی پرداختند. الهه کولایی، استاد دانشگاه تهران، فاطمه گوارایی فعال حقوق زنان، ایراندخت فیاض، استاد دانشگاه علامه طباطبایی و اعظم حاجی‌عباسی، دبیرکل جامعه زنب از جمله حاضران در این نشست‌اند. اعظم طالقانی میهمان ویژه این نشست نیز پایان جلسه می‌رسد. همه می‌دانند که پس از عمل زانو نمی‌تواند به‌آسانی در سخنرانی‌ها و نشست‌ها حاضر شود. اما دقایق پایانی جلسه وارد سالن می‌شود و جمعیت به احترام او می‌ایستد و کف می‌زند.

اعظم طالقانی متعجب از شایعه فراگیر کنار گذاشته‌شدن شهیدخت مولاردی از معاونت امور زنان می‌گوید: «موقعیت‌های او را بر نتابیدند. بعید می‌دانم کار و تصمیم آقای روحانی باشد. خانم مولاردی صراحت لهجه دارند و همین مشکل‌ساز شده است، وگرنه ایشان از مدیران توانمند دولت حسن روحانی به شمار می‌آیند».

افغانستان ۴ وزیر زن دارد روحانی هیچ

الهه کولایی که نامش به‌عنوان یکی از سه نامزد نهایی برای شهرداری تهران مطرح بود، صریح‌تر از همیشه به موانع پیش روی حضور زنان در ساختار قدرت سیاسی ایران می‌پردازد. نقدش بر این است که «با گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و با شعارهایی که برای الگوسازی در منطقه داده‌ایم، امروز در کابینه دولت افغانستان چهار وزیر زن داریم و هنوز باید بر سر اینکه آیا در کابینه حسن روحانی زن وزیر باشد یا نباشد، چانه‌زنی می‌کنیم».

به گفته او «هر مدیر مردی را بخواهند جابه‌جا می‌کنند، از این پست به آن پست، از اینجا به آنجا، هیچ‌کس نمی‌پرسد تجربه و پیشینه‌اش چه بوده. اما وقتی به زنان می‌رسد، همه صداها بالا می‌رود که سابقه‌اش چه بوده؟ قیلا کجا بوده؟ کار مدیریتی کرده، از عهده این سمت برمی‌آید و ... این در حالی است که دولت‌ها کمتر به زنان مجوز کار مدیریتی می‌دهند و متأسفانه به وقت چنین قوا به فکر تجربه‌های مدیریتی می‌افتند».

مشاکت زنان محدود به رأی دادن نیست

الهه کولایی در این نشست تأکید کرد «بر محرومیت و انکار تاریخی در این سال‌ها برای زنان بوده و با اینکه امام خمینی تأکید کرده‌اند که زنان باید در مقدرات اساسی مملکت شرکت کنند، خوانش برخی آقایان این شده که وظیفه زنان فقط رأی دادن است. متأسفانه سهم زنان در بالاترین نهاد انتخابی ایران- مجلس- کمتر از پنج درصد است. یعنی مشکل تنها مشکل برنامه‌ریزی سیاسی نیست بلکه مشکل ریشه‌دارتر از این حرف‌هاست. تجربه تاریخی ما این بوده که زنان قرن‌ها به حوزه خصوصی و داخل خانه تعلق داشته‌اند. مدل پهلوی هم مدل وارداتی غربی بود که تماشش با انقلاب اسلامی رد شد. اتفاق سلسله‌مراتب قدرت فقط در قدرت نیست و از خانه

سیاست

در نشست «انجمن اندیشه و قلم» مطرح شد

گلایه‌های زنان از چینش کابینه



شروع می‌شود. در قانون مدنی ما مرد رئیس خانواده است و گویا همین مدل در کابینه و دیگر حوزه‌ها نیز مطرح است. اما حالا وضع فرق کرده و زنانی که دیروز سخنرانی‌های آقای روحانی را شنیده‌اند، حالا می‌گویند سهم ما کو؟» او همچنین با انتقاد از مردان در قدرت و مخالفت‌هایشان برای حضور زنان در کابینه و دیگر ارکان قدرت گفته «آقایانی که با مدیریتشان مملکت را به اینجا رساندند، باید جواب بدهند چرا با جزئی‌نگری‌ها این دشواری‌ها را در حوزه‌های مختلف برای کشور ما به وجود آورده‌اند».

نقیی به تاریخ

فاطمه گوارایی از فعالان حقوق زنان از سخنرانان این نشست است. او به نمونه‌های تاریخی زنان موفق در صدر اسلام اشاره دارد. به گفته او «حضرت خدیجه از زنانی است که بالاترین سطح اقتصادی جامعه مکه آن زمان را داشت. آن وقت ما در ایران تازه بحث می‌کنیم مشارکت اقتصادی زنان ما چیست و رتبه جهانی‌مان در شکاف اقتصادی میان زن و مرد بیاد می‌کند. درحالی‌که که خدیجه(س) بالاتر و قدرتمدتر از مردان هم‌عصرش ایستاده بود. نمونه دیگر حضرت فاطمه(س) است و مدیریت او در فدک یا تلاش‌های حضرت زینب(س) در عصری که به عصر توانستن‌ها شهرت داشت اما او توانست پیام‌رسان کاروان در صحنه تاریخی شده و رسالتش را انجام دهد. امروز در عصری هستیم که صدر اعظم آلمان، نخست‌وزیر انگلستان و کاندیدای ریاست‌جمهوری آمریکا زن هستند. آن وقت ما تازه برای انتصاب یک وزیر در کابینه باید چانه‌زنی کنیم».او همچنین خواسته امروز فعالان جامعه مدنی در ایران از کابینه را خواسته‌ای طبیعی دانسته و می‌گوید: «وظیفه جامعه زنان این است که مطالبات را مطرح کرده و دولتی که بر خاسته از آرای میلیون‌ی است نیز باید پاسخ‌گوی آن باشد. پاسخ‌گوبودن وظیفه دولت مدرن است. مطالبه‌گری از سال ۸۷ وارد ادبیات فعالان مدنی ایران، از جمله فعالان زن شد. اینکه امان را همین‌جوری نمی‌دهیم. رأی در ازای برآورده‌شدن مطالبات و خواسته‌هاست. اما حالا دوباره بازگشت به همان روند مطالبه‌گری از دولت است که زنان ما به‌خوبی متوجه اهمیت آن هستند».

بازماندن زنان از قدرت از مصادیق خشونت علیه زنان است

اعظم حاجی‌عباسی، دبیرکل جامعه زنب، دختر زنده‌یاد مریم بهرپوزی، دبیرکل سابق جامعه زنب، است. مریم بهرپوزی با وجود رویکرد اصولگرایانه، از معدود زنانی بود که در مسیر زدودن تبعیض‌ها علیه زنان ایران گام‌های بلندی برداشت. حالا دخترش اعظم حاجی‌عباسی، تلاش دارد مسیر او را

ادامه دهد. حاجی‌عباسی تأکید دارد «دولتمردان هیچ‌گونه برنامه‌ریزی برای حضور مؤثر زنان در قدرت ندارند. متأسفانه حسب یک روند تاریخی و قدیمی همواره ثروت و قدرت در اختیار مردان بوده و زنان یا بی‌بهره یا کم‌بهره از آن هستند. به همین خاطر به هنگام تقسیم سمت‌ها، اغلب زنان از رسیدن به سکو‌ها و صندلی‌های قدرت بازمی‌مانند. این مسئله اتفاقا از مصادیق خشونت علیه زنان است».

گوارایی در همین‌حال می‌گوید: «یکی از معیارهای اصلی توسعه‌یافته‌بودن و عقب‌مانده بودن یک کشور میزان اهمیتی است که مسئولان آن به زنان دارند؛ هرچه زنان رده‌پایین‌تری داشته باشند، آن کشور عقب‌مانده‌تر است. آمار گواه آن است که ایران در موضوع شکاف جنسیتی و برابری از میان ۱۴۴ کشور، رتبه ۱۳۹ را دارد؛ پنج‌تا مانده به آخر؛ یعنی ما بسیار عقب هستیم».

اگر وزیر زن گذاشتن مغایر شرع بود، همان موقع می‌گفتند

حاجی‌عباسی تأکید دارد که «اگر امروز برخی مسئولان می‌گویند که زنی در قدوقامت وزیر و سفیر نداریم، این مشکل به جامعه زنان برنمی‌گردد. معنای این جمله این است‌که متأسفانه ساختار سیاسی ما در چهار دهه گذشته به زنان مجوز رشد و بالندگی در ساختار سیاسی را نداده است. باین‌حال همان مسئولان به‌خوبی می‌دانند که زنان توانمندی در قامت وزارت و معاونت وزیر مطرح هستند».

به گفته او: «ضعف سابقه اجرایی به مدیران یک کشور بازمی‌گردد که در ۴۰ سال نتوانستند زنانی پرورش دهند که امروز بتوانند به‌آسانی در جایگاه وزارت و ریاست‌جمهوری قرار بگیرند».گوارایی نیز درهمین‌حال به نمونه انتصاب مرضیه دستجردی به وزارت بهداشت در دوره احمدی‌نژاد اشاره کرده و می‌گوید: «اگر در انتصاب خانم دستجردی ممانعت پیشنی و سیاسی و مغایرت شرعی وجود داشت، همان‌موقع باید جلوی آن گرفته می‌شد. بنابراین معتقدم هیچ‌گونه مغایرت شرعی نبود. چنانچه اگر نقض شرعی بود، ششورای نگهبان و سطوح بالاتر نظام با یک رویداد غیرشرعی مخالفت می‌کردند. بنابراین الان کاملا توجیه است و بهانه نباید این باشد که دارند از یک جاهایی فشار می‌آورند که وزیر زن نمی‌خواهیم، اما خوب این نکته هم وجود دارد که عده‌ای می‌خواهند مردم را از رأیی که به دولت دوازدهم داده‌اند، ناامید کنند».

آقایان این همه‌سال چه کلی بر سر کشور زدند

الهه کولایی نیز تأکید دارد که «آقایان در این همه سال که بر کشور مدیریت کردند چه کلی بر سر کشور زدند. چرا وقتی نوبت به کابینه می‌رسد و سهم مردان در کابینه، همه سکوت می‌کنند. چون فرض این است که حوزه قدرت حوزه مردانه است و آنها به دنبال سهم نیستند. ایجاد فرصت‌های برابر که یکی از شعارهای دکتر روحانی در جریان انتخابات است، امروز باید در حوزه سپردن مسئولیت‌های خطیر به زنان تحقق یابد».

نشست سهم زنان از هیئت وزیران پایانی می‌یابد. اعظم طالقانی با خانم‌های فعال در حوزه زنان خوش‌وش می‌کند. اعضای «هم‌اندیشی زنان»، جریان مدنی‌ای که این‌روزها بن‌سا دارد در هماهنگی با طیف‌های مختلف از ضرورت حضور وزیر زن در کابینه بگوید نیز در جلسه حاضرند و مشغول کپ‌وگفت با خانم طالقانی.

ادامه از صفحه ۴

آقای وزیر کلنگش را غلاف کرد

جلالوند با اشاره به اینکه اگر استان هم درباره پتروشیمی و پالایشگاه‌ها نظر مثبتی داشته باشد، تنها تصمیم‌سازی است و مرجع نهایی به حساب نمی‌آید، ادامه داد: اتفاقا کمیته استانی پتروشیمی‌های دشتستان و دیلم را تأیید نکرده‌اند و خواستار برخی اصلاحات شده‌اند.این مقام مسئول در محیط زیست کشور با بیان اینکه به نظر می‌رسد می‌خواهند با فشار و جریان‌سازی استانی پروژه‌ای را که هنوز مجوز محیط زیست نگرفته، شروع کنند، تصریح کرد: اداره کل محیط زیست براساس اختیاراتی که دارد، موظف است.

کلنگ‌ها را غلاف کنید

«کلنگ‌ها را غلاف کنید»: این عنوان یادداشتی است که محمد فاضلی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، دراین‌باره نوشته است. او در بخش‌هایی از این یادداشت که در سایت «انرژی امروز» منتشر شده، نوشته است: «۲۰۰ یا ۱۰ سال پیش اگر مسئولان دولتی می‌خواستند در جایی کلنگ ساخت مجتمع پتروشیمی، پالایشگاه، سد، گاز‌خانه فولاد، سیمان یا صنایعی از این‌دست را به زمین بزنند، مردم محلی تجمع می‌کردند و با قربانی گوسفند و پخش کل و شیرینی از آنها استقبال می‌شد. مسئولان ارشد دولت و سایر قوا، نمایندگان مجلس و بوروکرات‌های دولتی ازاین‌دست خطرات شیرین بسیار به یاد دارند. آن خاطرات شیرین متعلق به زمانه‌ای است که کسی نمی‌رسید پیامد محیط‌زستی آبیگری سد برای جنگل‌ها، حیات وحش، تنوع زیستی و زمین‌های کشاورزی چیست؛ آب لازم برای مجتمع پتروشیمی، فولاد، سیمان و سایر صنایع پربآبر، سرمایه‌بر و کم‌اشتغال‌زا را چگونه تأمین و با سبایش چه می‌کنید؛ این وعده‌های اشتغال که می‌دهید و به ازای چه مقدار سرمایه‌گذاری ریالی و دلاری و صدمه به منابع محیط زیستی حاصل می‌شود و منافع و مضار حاصل از ایجاد صنایع آلوده‌کننده چگونه میان اجتماع محلی میزبان واحد صنعتی، سهام‌داران دولتی و خصوصی و سایر نفع‌برندگان تقسیم می‌شود. ایام خاطرات شیرین بوروکرات‌های دولتی و غیردولتی در حالی سپری شده که بسیاری وعده‌ها نیز محقق نشده‌اند، شغل‌های بسیار ایجاد نشده، فقر اجتماعات محلی میزبان صنایع از میان رفته، زنجیره ارزش صنایع بالادستی و پایین‌دستی تکمیل نشده؛ اما بر ثروت سهام‌داران دولتی و غیردولتی، ساکن تهران و شهرهای بزرگ و البته خسارات محیط زیستی برای میزبانان واحدهای صنعتی افزوده شده است.

دبیر ستان غیر دولتی دخترانه



متوسطه اول

با مدیریت

سرکار خانم صادقی پور

با ۱۵ سال سابقه مدیریت در منطقه ۵ شهر تهران

۰۵۶۹۰۴۴۳۲-۰۱۰۱۴۴۳۰۰۹۳۳۴۷۱۱۳۲۳

شهران، فلکه دوم، خیابان یکم غربی، پلاک ۳۵

برای مصاحبه و پیش ثبت نام تماس بگیر ید